

تاریخ وصول: ۹۱/۱/۲۷

تاریخ پذیرش: ۹۱/۴/۵

نور علی نور، اثر عرفانی قرن نهم هجری

احمد رضا یلمه‌ها^۱

دانشگاه آزاد اسلامی، واحد دهقان، دانشیار گروه ادبیات فارسی، دهقان، ایران

چکیده مقاله:

با وجود آنکه آثار عرفانی و متون صوفیانه شناسایی شده، هر روز رو به فزونی است ولیکن کم نیست آثاری که هنوز مجهول‌القدر و ناشناخته باقی مانده و در گوشه کتابخانه‌های مختلف، در بوته فراموشی به سر می‌برد. یکی از این آثار بی‌نام و نشان، نور علی نور از پیر جمالی اردستانی، عارف و مفسر شیعی مذهب قرن نهم هجری است. پیر جمالی از عرفایی است که به کثرت آثار مشهور است و اکثر آثار او به صورت نسخه‌های خطی، در مجموعه‌ها و یا به طور جداگانه و پراکنده وجود دارد. نور علی نور، از آثار منظوم آمیخته به نثر است که پیر جمالی آن را در شرح و تبیین تعبیر و مفاهیم عرفانی، به زبانی نسبتاً ساده تألیف نموده است. این پژوهش برای نخستین بار به معرفی و شناسایی این اثر ارزنده پرداخته است.

کلید واژه‌ها:

قرن نهم هجری، متون عرفانی، پیر جمالی اردستانی، نور علی نور، تعبیر صوفیانه.

^۱ - ayalameha@yahoo.com

پیشگفتار

جمال‌الدین اردستانی، صوفی، مفسّر، شاعر و عارف قرن نهم هجری (متوفی ۸۷۹ هـ) است که متخلّص به جمالی است و گاه پیر جمال‌الدین عراقی، فضل‌الله جمالی و نیز عاشق اصفهانی نیز نامیده شده و طریقه‌ای با عنوان پیر جمالیه، منسوب به اوست. از جزئیات زندگانی وی اطلاعی چندانی در دسترس نیست ولیکن به استناد منابع و نیز آثار باقیمانده از او، در تصوف عملی و مراتب معنوی به مقامی والا رسیده است. او در طریقت، مرید پیر مرتضی علی اردستانی (۸۵۷ ق) بوده است و سلسله ارادت وی با اختلاف روایات، پس از چندین واسطه به فخرالدین عراقی، یا به نجیب‌الدین علی بزغش شیرازی، و از آنها به شهاب‌الدین ابوحفص عمر سهروردی (۶۳۲ ق)، مؤسس طریقه سهروردیه می‌رسد (رک. معصوم علیشاه، ۱۳۳۹، ۳۵۵/۲). رضا قلی خان هدایت در ریاض‌العارفین، او را این چنین معرفی می‌کند: «او هو قطب العاشقین و غوث الموحّدین، شیخ المجرّد و عارف الموحّد، جمال‌الدین محمد، پیری است شوریده جان و صافی ضمیر و شیرین زبان. حاوی فضایل صوری و معنوی و جامع خصایل انسانی و ملکی. صاحب چندین هزار بیت متین است و مثنوی‌هایش پسندیده موحّدین است. به زعم فقیر، پس از جناب شیخ عطار، به کثرت نظم و مزید مثنویات معارف آیات، کسی از اهل حال، نمی‌تواند با وی برابری نماید و با آنکه فقیر، همه منظومات آن جناب را ندیده، زیاده از پنجاه هزار بیت از لآلی آبدار اشعارش را، در سلک مرور و مطالعه کشید» (هدایت، ۱۳۸۵: ۸۹).

تالیفات پیر جمال:

پیر جمال در نظم و نثر توانا بود و دارای آثار متعددی است. مضامین بیشتر آثار او مبانی و مفاهیم عرفانی است و رحجان معنی بر صورت در بیشترین آثار او به چشم می‌خورد. «آثار و اشعار پیر جمال، بیانگر تبحر او در زبانهای فارسی و عربی و آشنایی با فلسفه و عرفان، انس با

آیات قرآن، احادیث پیامبر (ص) و ائمه (ع) و نیز توجه وی به شاعرانی چون سنایی، نظامی، عطار، سعدی و حافظ، و به ویژه دل‌بستگی خاص او به مولوی است. چنانکه او خود مثنوی را بعد از قرآن مجید و حدیث، بهترین کتاب می‌داند» (موسوی بجنوردی، ۱۳۸۹: ۱۸/۳۹۹).

بر اساس فهرست‌های موجود، حدود ۳۰ اثر را برای وی می‌توان برشمرد که همه آنها به زبان فارسی به صورت منظوم و منثور تألیف شده است. معصوم علیشاه در طرائق الحقایق، به نسخه‌ای (از آن خود) از آثار پیر جمال اشاره دارد که مشتمل بر ۲۸ رساله بوده و از وی به سرقت رفته است. (معصوم علیشاه، همان: ۳۵۵/۲). و چنانکه بیان گردید رضا قلی خان هدایت او را از جهت کثرت آثار، نظیر عطار دانسته است. متأسفانه بسیاری از آثار جمالی اردستانی، به جهت تشابه اسمی با جلال خان جمالی دهلوی (تذکره‌نویس قرن دهم هجری، صاحب سیرالعارفین و متخلص به جمالی) خلط گردیده و انتساب این آثار به روشنی قابل تشخیص نیست و برخی نیز نام‌گذاری و دسته‌بندی خاصی ندارد و نسخه‌های آن با نامهای متفاوت، پراکنده و آشفته است. آثاری که در بیشتر منابع، به جمالی اردستانی منسوب است عبارتند از:

دیوان که به نام منظومه مفتاح الفقر نیز از او یاد شده (و گاه نیز با دو عنوان جداگانه) و شامل قصاید، ترجیعات، ترکیبات، غزلیات، رباعیات، مفردات، قطعات، مستزادها و فهلویات اوست و در برخی از منابع به طور جداگانه از هر کدام از این بخشهای دیوان یاد شده است.

بیان حقایق احوال المصطفی که مشتمل است بر هفت رساله مستقل، با نامهای مصباح الارواح (کامل شده در ۸۶۸ قمری)، احکام المحبین، نهاییه الحکمه (۸۶۸)، بدایه المحبه (۸۶۹)، هدایه المعرفه (و یا بدایه المعرفه)، فتح الابواب و حقیقه الآداب (۸۷۳) و شرح الواصلین (۸۷۶). این اثر مثنوی بزرگی است آمیخته به نثر که به شرح زندگانی پیامبر (ص)، به عنوان نمونه کامل عارفان، می‌پردازد.

شرح الکنوز و کشف الرموز؛ مثنوی‌ای است درباره اسرار و رموز عرفانی که در سال ۸۶۴ قمری تألیف گردیده است.

روح القدس که مشتمل است بر سه بخش شریعت و طریقت و حقیقت و برخی این رساله را بخش سوم شرح الکنوز می‌دانند.

تنبیه العارفین: که این اثر نیز مثنوی‌ای است آمیخته به نثر که به شرح رموز عرفانی می‌پردازد.

مجموعه رباعیات عرفانی با عنوان کنز الدقایق، که به نامهای میزان الحقایق (مشمول بر ۲۵۳ رباعی عرفانی) و مشکوه المحبین نیز آمده است و گاه نیز به طور جداگانه از هر یک از آنها نام برده شده است.

مراه الافراد: مشتمل است بر ۱۶۵ رسالهٔ منثور و منظوم که به تفاسیر آیات قرآن و احادیث، به همراه شرح برخی از اقوال و دیدگاه‌های صوفیانه می‌پردازد.

کشف الارواح که به یوسف و زلیخا و یا یوسف‌نامه نیز مشهور است و اثری است منظوم آمیخته به نثر، در تفسیر و تأویل سورهٔ یوسف که پیر جمالی، اندیشه‌های عرفانی خود را دربارهٔ عشق الهی و رمز و رازهای آن، بر اساس نظریهٔ وحدت وجود مطرح نموده است (رک. جمال‌الدین اردستانی، مقدمهٔ خوشحال دستجردی، ۱۳۸۷: ۱۲ به بعد).

استقامت‌نامه اثری منظوم آمیخته به نثر، در حدود ۹۵۰ بیت، که پیر جمالی آن را در زمینهٔ استقامت و پایداری در تصوف و عرفان، با تفسیر آیات قرآنی و تبیین دیدگاه‌های صوفیانه تألیف نموده است.

ناظر و منظور: رساله‌ای است عرفانی در شرح و تفسیر آیهٔ الله نور السموات و الارض. مهر قلوب: اثری است منظوم، دربارهٔ عشق الهی که به نام مهرافروز نیز آمده و برخی نیز این دو اثر را جداگانه نوشته‌اند.

محبوب الصدیقین: مثنوی‌ای است عرفانی دربارهٔ عشق الهی، فنا، هستی، نیستی و برخی آن را بخشی از کشف‌الکنوز او می‌دانند.

رساله‌ای منثور دربارهٔ عقل.

منشآت که مجموعه نامه‌های اوست.

المسطور فی رِق المنثور، اثری است منثور.

مرآه الحبيب که به نامهای فرصت‌نامه، نصرت‌نامه و قدرت‌نامه نیز آمده است و مجموعه‌ای از رباعیات اوست.

معلومات: نام کامل آن معلومات اسرار القلوب و مفهومات انوار القلوب است و اثری است عرفانی دربارهٔ عشق الهی.

نور علی نور: منظومه‌ای است آمیخته به نثر که در ادامه، به معرفی کامل آن پرداخته می‌شود.

در فهرست‌واره دست‌نوشته‌های ایران از مصطفی درایتی، نسخه‌هایی از آثار زیر از پیر جمالی، نام برده شده است:

- احکام المحبین من بیان حقایق احوال سید المرسلین: ج ۱، ص ۳۷۱.
- احکام المحسنین: ج ۱، ص ۳۷۹.
- استقامت نامه: ج ۱، ص ۷۶۴.
- اعتقاد (رساله در بیان...): ج ۲، ص ۳۱.
- بدایه المحبه: ج ۲، ص ۴۴۵.
- بدایه المعرفه: ج ۲، ص ۴۴۵.
- بیان آنکه حاضر بودن، به از غایب شدن (رساله در...): ج ۲، ص ۵۷۹.
- بیان آنکه در قیامت، انبیا نفسی نفسی گویند (رساله در...): ج ۲، ص ۵۷۹.
- بیان اینکه دلیل فرض است (رساله در...): ج ۲، ص ۵۸۱.
- بیان حقایق احوال للمصطفی: ج ۲، ص ۵۸۳.
- بیان «کن فی الدنیا کانک غریب» (رساله در...): ج ۲، ص ۵۸۹.
- بیان مکاشفاتی که در مزار روزبهان رخ داده (رساله در...): ج ۲، ص ۵۹۰.
- بیان نظرهای عشق (رساله در...): ج ۲، ص ۵۹۱.
- تأویل اکثر اهل الجنه البله: ج ۲، ص ۷۶۰.
- تممه بیان «لقد جائکم رسول من انفسکم» (رساله در...): ج ۲، ص ۷۶۱.
- تممه بیان «لقد جائکم رسول من انفسکم» (رساله در...): ج ۲، ص ۷۸۴.
- تممه شرح «کن فی الدنیا کانک غریب»: ج ۲، ص ۷۸۵.
- ترکیب: ج ۲، ص ۱۱۶۰.
- تفسیر آیه امانت: ج ۳، ص ۱۰۰.
- تفسیر آیه «انا ارسلناک شاهداً و مبشراً»: ج ۳، ص ۱۰۰.
- تفسیر آیه: «انک لا تهدی من احببت»: ج ۳، ص ۱۰۱.
- تفسیر آیه النور: ج ۳، ص ۱۱۰.
- تفسیر آیه «یا ایها الرسول بلغ»: ج ۳، ص ۱۱۸.
- تفسیر آیه «یولج اللیل فی النهار»: ج ۳، ص ۱۱۹.
- تفسیر «الرفیق ثم الطریق»: ج ۳، ص ۱۳۰.

- تنبيه العارفين: ج ۳، ص ۳۴۸.
- ديوان جمالی: ج ۵، ص ۱۰۳.
- رسائل: ج ۵، ص ۶۲۹.
- سلوك يونس (ع): ج ۶، ص ۱۹۵.
- شرح «اول ما خلق الله نوري» = نور علی نور: ج ۶، ص ۴۷۷.
- شرح الكنوز: ج ۶، ص ۱۰۲۰.
- شرح «من حسن اسلام المرء ترك ما لا يعينه»: ج ۶، ص ۱۱۰۵.
- شرح الواصلين: ج ۶، ص ۱۱۴۶.
- صفوه اهل التحقيق: ج ۷، ص ۱۴۷.
- عقل: ج ۷، ص ۵۵۰.
- علامت پير كامل: ج ۷، ص ۵۷۲.
- علامت طالب: ج ۷، ص ۵۷۳.
- فتح الابواب و حقيقه الاداب: ج ۷، ص ۸۵۹.
- فرصت نامه: ج ۷، ص ۹۳۲.
- فرق تحقيق و تقليد: ج ۷، ص ۹۴۰.
- فقر: ج ۷، ص ۱۰۶۸.
- قدرت نامه: ج ۸، ص ۶۱.
- كشف الارواح = يوسف و زليخا = يوسف نامه: ج ۸، ص ۶۰۶.
- كليات جمالی (پير جمالی): ج ۸، ص ۷۵۴.
- كنز الدقايق: ج ۸، ص ۸۱۰.
- الكنوز و الكشف الرموز: ج ۸، ص ۸۵۳.
- محبوب الصديقين: ج ۹، ص ۱۶۳.
- مرآه الافراد: ج ۹، ص ۳۴۰.
- مرآه الحبيب: ج ۹، ص ۳۴۴.
- المسطور في رق منشور: ج ۹، ص ۵۴۹.
- مشكاه المحبين: ج ۹، ص ۶۰۰.
- مصباح الارواح: ج ۹، ص ۶۴۹.

معراج السعاده: ج ۹، ص ۸۶۱.

معلومات: ج ۹، ص ۹۱۰.

معنی آیات «یوم لا ینفع مال و لا بنون، و نفخت فیه من روحی و غیرها» (رساله در...): ج ۹، ص ۹۳۰.

معنی «التعظیم لامرالله و الشفقه علی خلق الله» (رساله در...): ج ۹، ص ۹۳۲.

معنی «و نهی النفس عن الهوی» (رساله در...): ج ۹، ص ۹۳۷.

معنی «یا مقلب القلوب و الابصار»: ج ۹، ص ۹۳۷.

مفتاح الفقر: ج ۹، ص ۱۰۴۵.

مکاتیب: ج ۹، ص ۱۱۹۸.

مکاشفات شب جمعه (رساله در...): ج ۸، ص ۱۲۳۲.

منشآت: ج ۱۰، ص ۱۳۷.

مهر افروز: ج ۱۰، ص ۴۰۰.

مهر قلوب: ج ۱۰، ص ۴۰۲.

میزان الحقائق: ج ۱۰، ص ۴۱۶.

ناظر و منظور: ج ۱۰، ص ۴۳۹.

نصرت نامه: ج ۱۰، ص ۷۱۲.

نصیحت به سالک که از خرابی صورت ملول مشو (رساله در...): ج ۱۰، ص ۷۱۵.

نور علی نور: ج ۱۰، ص ۸۵۲.

نور محبت: ج ۱۰، ص ۸۵۳.

نهایه الحکمه: ج ۱۰، ص ۸۶۸.

هدایه الحکمه: ج ۱۰، ص ۱۱۴۸.

هدایه المحبه: ج ۱۰، ص ۱۱۶۴.

هدایه المعرفه: ج ۱۰، ص ۱۱۷۱.

نور علی نور تا کنون به زیور چاپ آراسته نشده و متن آن به صورت نسخه خطی باقی مانده است. از این اثر چهار دست نوشته در ایران موجود است که عبارتند از:

نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، با شماره ۹۳۲۶/۱۳ که توسط کاتبی با نام محمد کریم بن میرزا زمان، به خط نستعلیق کتابت گردیده و زمان کتابت دقیق آن مشخص نیست و از آثار قرن سیزدهم هجری است. (رک. درایتی، ۱۳۸۹: ۷۶۴/۱).

نسخه کتابخانه ملی ملک، با شماره ۵۰۵۲/۱۹ که توسط کاتبی با نام محمد حمزوی موسوی، در تاریخ ۲۴ شوال ۱۲۲۹ به خط نسخ کتابت گردیده است.

نسخه کتابخانه مجلس شورای اسلامی، با شماره ۱۱۳۲/۱۱ که کاتبی با نام علی اشرف بن علی، در تاریخ ۱۲۳۵ به خط نستعلیق کتابت کرده است. این نسخه، کاملترین نسخه باقیمانده از مجموعه آثار جمالی اردستانی (مشمول بر حدود ۳۵۰۰۰ بیت) است که دارای ۳۱۴ برگ (۶۲۸ صفحه ۱) و مشتمل بر آثار زیر است:

- ۴- فتح الابواب (۱۳۴ - ۳) ۲- مهرافروز (۱۴۵ - ۱۳۵) ۳- کنزالحقایق (۱۸۸ - ۱۴۹) ۴-
- تنبيه العارفين (۲۵۳ - ۱۹۱) ۵- محبوب الصديقين (۳۶۰ - ۲۵۵) ۶- مفتاح الفقر (۳۷۰ - ۳۶۱)
- ۷- مشکوه المحبين (۳۷۴ - ۳۷۱) ۸- معلومات (۳۷۹ - ۳۷۵) ۹- مثنویات (۳۹۱ - ۳۸۰) ۱۰-
- استقامت نامه (۴۱۷ - ۳۹۳) ۱۱- نور علی نور (۴۳۹ - ۴۱۷) ۱۲- ناظر و منظور (۴۴۹ - ۴۳۹)
- ۱۳- مراه الافراد (۵۵۰ - ۴۵۱) ۱۴- قصاید، ترجیعات، مستزادها، غزلیات، رباعیات و چند مثنوی و قطعه (۶۲۷ - ۵۵۳).

نسخه کتابخانه صدرالدین محلاتی در شیراز، با شماره ۱۶/۲۰ که کاتبی با نام سید محمد حمزوی، در تاریخ ۱۲ شعبان ۱۲۳۸، به خط نسخ نوشته است.

بررسی و تحلیل:

نور علی نوری اثری است مشتمل بر حدود ۳۰۰ بیت که در لابه لای اشعار، عباراتی منثور درج گردیده است. نام این اثر مأخوذ است از آیه ۳۵ سوره نور: «اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، مِثْلُ نُورِ كَمَشْكُوهِ فِيهَا مِصْبَاحُ الْمِصْبَاحِ، فِي زُجَاجَةٍ زُجَاجَةٍ، كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِنْ شَجَرَةٍ مُبَارَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَا شَرْقِيَّةٍ وَلَا غَرْبِيَّةٍ، يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيُّ وَ لَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارُ نُورٍ عَلِيٍّ نُورٍ، يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَنْ يَشَاءُ وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْإِمْتَالَ لِلنَّاسِ وَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».

در آغاز نور علی نوری، این حدیث نبوی مسطور است: «قال النبي صل الله عليه و آله و سلم، اول ما خلق الله نوري». پیر جمالی اثر را با این ابیات آغاز می گرداند:

علی بوالعلا علی نور است

مصطفی هور و نور مشهور است

مهر این مهر و ماه، ایمان است مهر ایمان ز مهر ایشان است

(نسخه خطی: ۱۱۳۲: ۴۳۱)

مؤلف با توصیف حضرت مصطفی (ص) و علی مرتضی، دیباچه اثر را پی می‌گیرد. پیر جمالی با آوردن آیه ۳۵ سوره نور در ضمن عباراتی مثنوی، چنین می‌گوید: «ای عزیز حاضر وقت باش که شرح انوار روشن خواهم نوشت که در جمعیت محبت، در برج بشریت جلوه می‌کند؛ به انوار ربوبیت به بصارت عینان تجریان و عینان نضآختان که یکی عاشق خونریز است و یکی معشوق گل فشان... ای اخی غرض آن است که انوار در جمادات و نباتات و حیوانات مستور است. نظری جدید می‌باید که در آن درماندگان تابد، تا زنده شوند و به برکت آن نظر، معرفت یکدیگر حاصل کنند. معنی نور علی نور چنین باشد و اگر به آن نظر مشرف نشوند، آن نور به مرور به باد هوا می‌رود و اگر این دولت بیابند، چنان که مهر نبوت حضرت رسالت مصطفی و حسن ولایت شاه ولایت، علی مرتضی، صلوات الله علیهما، نور علی نور می‌شوند. گوش به نظم دار تا حقایق و دقایق که در حدایق نبی و ولی، با هم جلوه می‌آرند، بینی و ناظر نور علی نور شوی و حسن الهی که در کل اشیا محیط است، جذب کنی و در تحت لوای عشق در آوری» (همان: ۴۳۲).

بدین ترتیب پیر جمالی نور علی نور را به نبوت و ولایت تعبیر می‌کند و معتقد است که با مشاهده انوار نبی و ولی می‌توان ناظر حقیقی نور علی نور شد و به واسطه جلوه‌گری این نور می‌توان حُسن الهی را که در اشیا عالم محیط است، شاهد بود و در تحت لوای عشق درآمد. پیر جمالی در تفسیر و تأویل حدیث «اول ما خلق الله نوری»، با ارتباط این حدیث با حدیث «اول ما خلق الله العقل»، خرد را تأویل از پیغمبر کرده و معتقد است:

آن خرد مصطفی است بی‌شک و ریب زآنکه در چشم اوست بیش غیب
حب او هر که دارد اندر دل هست با او کلید هر مشکل

(پیشین: همانجا)

در ادامه، سخن از خشم و کظم غیظ پیش آمده و پیر جمالی خندان بودن در وقت خشم را شیوه مردان الهی می‌داند و می‌گوید:

هر که در وقت خشم خندان است خاک او شو که جان مردان است

(پیشین: همانجا)

و حکایتی تمثیل‌گونه از امام جعفر صادق در تفسیر این بیت می‌آورد و در اثنای حکایت، سخنان آن حضرت را این چنین بیان می‌دارد:

هر کجا عقل و سوز چهره فروخت خرمن خشم و کین و کبر بسوخت
قهر و خشم و حسد ز دانا نیست وانما پس دلا که دانا کیست

(همان: ۴۳)

پس از داستان مزبور، پیر جمالی عباراتی منثور در چگونگی سیر نور از آدم تا خاتم بیان داشته و می‌گوید: «آن نوری که حق سبحانه و تعالی به آدم سپرد، در جبین و پیشانی پیشینیان سیر داشت تا به حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم رسید و در ظاهر و باطن آن حضرت قرار گرفت. از بهر آنکه اصل خود باز یافت و بعد از حضرت مصطفی (ص) به حضرت سرور اولیا، علی مرتضی علیه السلام و التحیه و الاکرام استقامت گرفت و بعد از حضرت علی، به دو شق شد. یکی در باطن اولیا سیر دارد و یکی در ظاهر کل کاینات» (پیشین: همانجا).

پیر جمالی بر این باور است که دولتیاران و بختوران که جسم و جان آنها منبع نور است، به سلوک حاجتی ندارند. آن نور را در هر کسوتی می‌شناسد «و آن نور اولین میل به جنس خود می‌کند و آن ناظر مختار، آن منظور جدید را نظر جدید می‌فرماید؛ پس معنی نور علی نور جلوه می‌آورد و دارای نور خردمندی می‌شود به برکت نظرها» (پیشین: همانجا).

پیر جمالی در ادامه، حکایت سیر نور مرید در باطن پیر و پرورده شدن از نور باطن پیر و مراجعت از باطن پیر، به باطن مرید را با تعبیری که از حدیث قدسی «کنت کنزاً مخفياً فأحببت ان اعرف فخلقت خلقاً لکی أعرف» را با بیانی زیبا به تصویر می‌کشد و این چنین بیان می‌دارد که مردان الهی و عاشقان راستین به جهت جذب این نور، از تفرقه به جمع رسیده و از این رو گاه نقش عاشق را دارند و گاه محبوب را و همه این برکات نیز به واسطه تابش لمعه‌ای از لمعات وجودی حضرت احمد مختار است:

عشق عشاق و حسن مهرخسار لمعه‌ای دان ز احمد مختار

نور علی نور، اثر عرفانی قرن نهم هجری / ۲۳

ما که باشیم هرچه هست وی است
ماچو جامیم و او می است، می است...
اول آن نور زو درخشان شد
عقلش آنگاه شاه میدان شد
عشق چون دید آن دو رخ با هم
شکل حوا کشید در آدم

(همان: ۴۳۵)

بخش‌های دیگر این اثر را، تفسیر حدیث «من استوی یوماه فهو مغبون» و نیز شرح حدیث «سافروا تصحوا و تغنموا» و شرح و تفسیر آیه «و لا تحسبن الدین قتلوا فی سبیل الله امواتا بل احياء عند ربهم یرزقون» و معنی آیه «و الاخره خیر لک من الاولى» تشکیل می‌دهد. پیر جمالی در پایان این اثر، به تفسیر و توضیح بیت زیر از مولانا:

خود قسوی تر می‌شود خمر کهن
خاصه آن خمیری که باشد من لادن
می‌پردازد و با اشاره به حکایت شاه سمرقند و داستان پیر و مرید و یحیی و شاه می‌گوید
که غرض از بیان چنین حکایاتی، زنده شدن دل سالک و صاحب نظر گردیدن اوست:

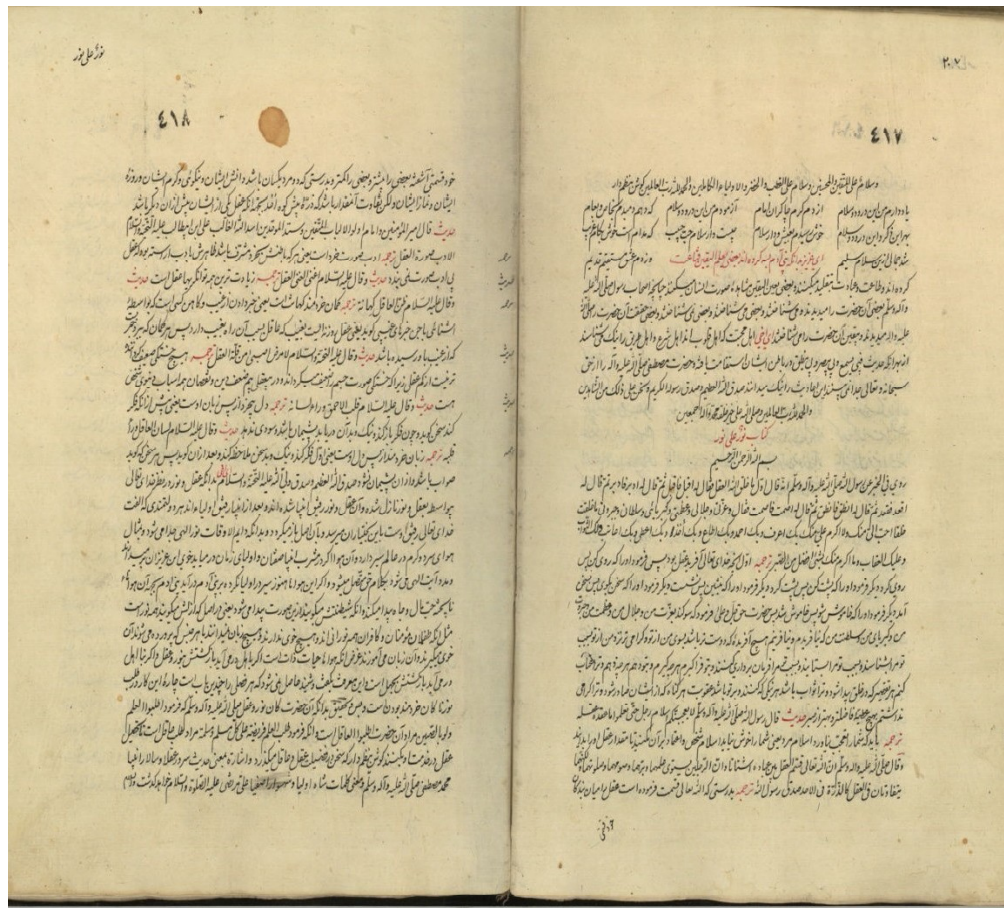
ذکر پیر و مرید و یحیی و شاه
فکر زاد و رفیق و محنت راه
بهر آن است تا تو زنده شوی
بر در شاه روز، بنده شوی...
نور این است و هم علی نور این
که شود یار جانت، نور جبین
دیده یار بسین دلا نور است
با چراغ از بود، علی نور است

(همان: ۴۳۸)

نور علی نور با تفسیر آیه «یا ایها الذین آمنوا اصبروا و صابروا و اتقوا الله لعلکم تفلحون و اصبروا ان الله مع الصابرين» و نیز رباعی زیر به پایان می‌رسد:

خاموش شدم که مستمع پیدا نیست
کس پیرو سیر روح بی‌مأوا نیست
خلق دوجهان به رسم و عادت مشغول
کس حاضر وقت یار بی‌همتا نیست

(همان: ۴۳۹)



صفحه نخستین از نسخه خطی شماره ۱۱۳۲ کتابخانه مجلس

نتیجه گیری:

از مجموع آنچه گذشت می توان چنین نتیجه گرفت که:

پیر جمال اردستانی از عرفایی است که از لحاظ کثرت مثنوی های عرفانی مشهور است. او آثار فراوانی در زمینه حالات و مقامات صوفیه و نیز شرح تعالیم و تعبیر عرفانی، از خود به جای نهاده است.

نور علی نور، اثر عرفانی قرن نهم هجری / ۲۵

یکی از آثار عرفانی منظوم آمیخته به نثر از پیر جمالی، که به شرح حدیث اوّل ما خلق الله نوری می‌پردازد، نور علی نور است.

پیر جمالی با درج آیات الهی و احادیث و آوردن داستان‌ها و حکایات گوناگون و نیز شرح و توضیح بسیاری از اشعار مولانا، به تفهیم و تبیین آراء عرفانی خود می‌پردازد. پیر جمالی نور علی نور را به نبوت و ولایت تعبیر کرده و معتقد است که شهود نور علی نور به تجلی انوار نبی و ولی بر سالک وابسته است.

Archive of SID

منابع و مأخذ:

- ۱- جمال‌الدین اردستانی، فضل‌الله. (۱۳۷۶). دیوان، به کوشش سید ابوطالب میرعبدینی، تهران: انتشارات روزنه.
- ۲- _____ . (۱۳۸۰). مصباح الارواح، به کوشش سید ابوطالب میرعبدینی، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- ۳- _____ . (۱۳۷۱). همراه افراد، به کوشش حسین انیسی‌پور، تهران: انتشارات زوآر.
- ۴- _____ . (۱۳۸۷). کشف الارواح، تصحیح طاهره خوشحال دستجردی، اصفهان: انتشارات کنکاش.
- ۵- _____ . (۱۳۳۵ ق). نور علی نور، نسخه خطی شماره ۱۱۳۲ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۶- _____ . (بی تا). نور علی نور، نسخه خطی شماره ۹۳۲۶ کتابخانه مجلس شورای اسلامی.
- ۷- درایتی، مصطفی. (۱۳۸۹). فهرستواره دست نوشته‌های ایران، تهران: کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- ۸- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۵۷). جستجو در تصوف ایران، تهران: امیرکبیر.
- ۹- سعادت، اسماعیل. (۱۳۸۴). دانشنامه زبان و ادب فارسی، تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- ۱۰- شریفی، محمد. (۱۳۸۷). فرهنگ ادبیات فارسی، تهران: نشر نو و معین.
- ۱۱- صفا، ذبیح‌الله. (۱۳۷۵). تاریخ ادبیات در ایران، تهران: انتشارات فردوس.
- ۱۲- فدایی، غلامرضا. (۱۳۸۶). آشنایی با نسخ خطی و آثار کمیاب، تهران: سمت.
- ۱۳- گلبن، محمد. (۱۳۸۱). اردستان‌نامه، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۱۴- گوهرین، سید صادق. (۱۳۶۷). شرح اصطلاحات تصوف، تهران: انتشارات زوآر.
- ۱۵- مایل هروی، نجیب. (۱۳۸۰). تاریخ نسخه پردازی و تصحیح انتقادی نسخه‌های خطی، تهران: انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.

- ۱۶- مصاحب، غلامحسین. (۱۳۳۹). دایره المعارف فارسی، با همکاری فرانکلین، تهران: جیبی.
- ۱۷- معصوم علیشاه، محمد معصوم. (۱۳۳۹). طرائق الحقایق، به کوشش: محمد جعفر محجوب، تهران: کتابخانه سنایی.
- ۱۸- منزوی، احمد. (۱۳۵۱). فهرست نسخه‌های خطی فارسی، تهران: مؤسسه فرهنگی - منطقه‌ای.
- ۱۹- موسوی بجنوردی، کاظم. (۱۳۸۹). دایره المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.
- ۲۰- هدایت، رضا قلی خان. (۱۳۸۵). ریاض العارفین، به تصحیح: ابوالقاسم رادفر، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

Archive of SID